

درآمدی بر ارزشیابی ولایت‌نامه غدیر

علی‌رضا میرزاحمد*

چکیده

علّامه امینی از متفکران بزرگ و مصلحان بنام جهان اسلام است که سالیان دراز به مطالعه و تحقیق در عرصه تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی پرداخت و به تألیف کتاب گرانسنگ الغدیر در دفاع از حریم ولایت همّت گمارد. طرح جامع، سبک بدیع و خصایص علمی این اثر برجسته در ابعاد گوناگون بدان پایه از ارزش و اعتبار است که آن را ماندگار و از دیگر آثار مشابه ممتاز گردانید و رجال علم و فکر و ادب را به اعجاب و تحسین واداشت. این مقاله با بحثی در اصل ولایت و خاستگاه تاریخی شکوهمندش آغاز می‌شود و سپس در ارزشیابی الغدیر و یادکرد مزایای بهاور علمی مترتب بر آن ادامه می‌یابد و سرانجام به نتایجی ارزنده پایان می‌پذیرد که نشر ولایت علی و بازگویی حقایق تشیع و برقراری وحدت اسلامی در رأس آنهاست، چنان که شماری از علمای مذاهب اسلامی که در تجلیل از کتاب قلم‌فرسایی کرده‌اند، بر این امر اتفاق نظر دارند.

کلیدواژه‌ها: غدیر، ولایت، کلام وحی، امینی، الغدیر، فقه تاریخ، فلسفه سیاسی اسلام، وحدت.

۱. مقدمه

انسان چون در وجود می‌آید، حرکت خود را خواه ناخواه در مسیر تاریخ آغاز می‌کند و به پیش می‌راند، اما مهم این است که راه‌دان باشد و بداند که این حرکت بر چه اصلی استوار است و چگونه شکل می‌گیرد و چه هدفی را دنبال می‌کند و به کجا می‌انجامد.

* دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی mirzamohammad@ihcf.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۱۲

اگر این حرکت مبتنی بر شناخت و تکلیف و آمیخته با عشق و امید و استقامت باشد، حماسه‌آفرین خواهد بود و حماسه در دفاع از حق است که تشخص می‌یابد. بنابراین کرامت انسان و ماندگاری تاریخ و شکوه حماسه را باید در پناه حق جست‌وجو کرد و تبلور معنویت را انتظار داشت، و گرنه با پایمال شدن حق، طبیعت تاریخ رو به کدورت می‌گذارد و انسان در تیه حیرت سرگردان می‌ماند و حماسه رنگ می‌بازد و معنویت حیات از دست می‌رود.

حضور این حق در اوج خود تداعی‌کننده ولایت کبرای امیرمؤمنان علی (ع) است که با صبغه‌ای الهی و پشتوانه‌ای غیبی در مرزبانی از اسلام ناب محمدی شکل گرفت و منشور امامت شرف صدور یافت.

این ولایت بشکوه رهایی‌بخش در واقع هسته اصلی فلسفه سیاسی اسلام است و ثمره حماسه شگرف غدیر؛ حماسه‌ای سرشار از فروغ حقیقت و صفای عصمت و جوهر تکلیف که در برهه‌ای از تاریخ به وقوع پیوست و دیری نپایید که آیت اکمال در شأن مولای متقیان (ع) نازل گشت.

احراز این مقام ملکوتی حاکی از آن است که خدای تعالی حیات حق را در وجود مبارک امام علی (ع) به ودیعت نهاد، چنان که رسول خدا (ص) فرموده است: «علی مع الحق و الحق مع علی» (فیروزآبادی، ۱۴۰۲: ۱۲۳/۲): علی با حق است و حق با علی.

بی‌گمان استقرار حق در وجود مقدس علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) بیانگر مقام ممتاز فرابشری‌اش در علم و عمل و اولویت وی به امر خلافت است و دلیلی روشن بر این که هدایت و رستگاری نوع بشر جز با پیروی از آن حضرت و گردن نهادن به ولایت کلیه‌اش امکان‌پذیر نیست.

اصولاً اعتقاد به امر ولایت مولا علی (ع) اختصاص به پیروان مذهب تشیع ندارد، چه بسیاری از دانشمندان اهل سنت و جماعت بدین مسئله خطیر اعتراف کرده‌اند، چنان که فقیه و مفسر بزرگ شافعی مذهب، امام فخر رازی در مفاتیح‌الغیب ذیل تفسیر بسم‌الله با استناد به حدیث شریف «اللهم أدر الحق مع علی حیث دار» گوید: «به تواتر ثابت شده که هرکس در دین خویش از علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) پیروی کند، هدایت یابد». رازی در ادامه بحث، از امامت با تعبیر قرآنی «عروة الوثقی» یاد کرده و چنین بیان داشته است: «هرکس علی را امام و پیشوای خویش گیرد، به دستاویزی استوار تمسک جسته است» (همان: ۱۲۲/۲).

در واقع مسئله مهم و حیاتی ولایت حقیقتی است سرنوشت‌ساز که با نزول آیه تبلیغ آغاز شد و به حکم حدیث غدیر در شأن امیرمؤمنان علی (ع) قطعیت یافت، آنگاه آیه کریمه «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا» (مائده: ۳) نازل گشت و نویدبخش بلوغ انسانیت و تأمین حقوق و سعادت انسان آمد و فرائض و نوامیس دین به یمن ولایت تکمیل شد و این معنی به حقیقت پیوست که هیچ اعتقاد و عملی جز با قبول ولایت امام معصوم پذیرفته نیست.

محدثان و مفسران ذیل آیه مزبور نوشته‌اند روزی طارق بن شهاب که از اهل کتاب بود و در مجلس خلیفه دوم حضور داشت، گفت: اگر این آیه در دین ما نازل شده بود، روز نزول آن را جشن می‌گرفتیم (امینی، ۱۴۰۳: ۱/۲۸۳).

اینک ملاحظه می‌کنید که به تصریح قرآن کریم و احادیث نبوی که به شهادت علمای فریقین برای هر مسلمانی حجت است، دین اسلام بدون فلسفه سیاسی و هدفداری در تشکیل حکومتی صالح و عدالت‌محور کامل نیست. بر این معنی نیز در نهج‌البلاغه تأکید شده است، آن‌جا که امام علی (ع) با اظهار دل‌تنگی از این‌که کسی را نمی‌یابد که اسرار نهفته در سینه مبارکش را بدو بسپارد، آرزو می‌برد که زمین از حجت خدا خالی نخواهد ماند، آنگاه به وصف حجج‌الله (ائمة اطهار) می‌پردازد و در پایان می‌فرماید: «اولئک خلفاء الله فی أرضه و الدعاة الی دینه» (شریف رضی، ۱۳۷۸: ۱۳۷۸: ۴۹۷). آنان جانشینان خدا در زمین اویند و مردم را به دین او می‌خوانند.

بنابراین، ولایت از آن جهت که بر دو بعد دینی و سیاسی اشتمال دارد، حائز اهمیت فراوان است. به دیگر سخن، ولایت مفهومی فراتر از خلافت دارد و امامت را نیز دربر می‌گیرد که به تعبیر شیعه جزو اصول دین است. استاد مطهری با استناد به فرازهایی از نهج‌البلاغه در این باره می‌گوید:

در نهج‌البلاغه علاوه بر مسئله خلافت و زعامت امور مسلمین در مسائل سیاسی، مسئله امامت به مفهوم خاصی که شیعه تحت عنوان «حجت» قائل است، مطرح گشته و به نحو بلیغ و رسایی بیان شده است (مطهری، بی تا: ۱۴۵).

به هر حال، از آن‌جا که امر اعتقادی ولایت یکی از بزرگ‌ترین آرمان‌های انسانی اسلام است و از پشتوانه‌ای و حیاتی و تاریخی در تداوم سنت نبوی برخوردار، مورد توجه و اهتمام اهل فضل و دانش واقع شد، چنان‌که علاوه بر کثرت روایان حادثه و حدیث غدیر از صحابه و تابعین، جم غفیری از علمای حدیث و تاریخ و تفسیر و کلام بر تواتر و صحت سند

حدیث مزبور اتفاق نظر داشته‌اند و افزون بر این، جماعتی از دانشمندان فریقین آثار علمی جداگانه‌ای در بیان واقعه غدیر پدید آورده و به ثبت و ضبط حدیث غدیر و طرق روایت آن در تألیفات خود پرداخته‌اند که کتاب گرانقدر الغدیر اثر خامه توانای علامه امینی در اثبات ولایت مطلقه و خلافت بلافصل مولاعلی (ع) از آن جمله است.

۲. زندگی‌نامه علامه امینی

شیخ عبدالحسین امینی، معروف به «علامه امینی» و «صاحب الغدیر» در سال ۱۳۲۰ هجری قمری (۱۲۸۱ شمسی) در تبریز دیده به جهان گشود و تحت سرپرستی پدرش میرزا احمد امینی (۱۲۸۷-۱۳۷۰ ه) که خود از عالمان پرهیزگار آن سامان بود، پرورش یافت و در مدارس آن شهر مقدمات علوم را آموخت. آنگاه در محضر استادانی چون سید محمد مولانا مؤلف «مصباح السالکین» و سید مرتضی خسروشاهی مؤلف «معنی حدیث الغدیر» و شیخ حسین مؤلف «هدایة الانام» به فراگرفتن مراحل دیگری از علوم اسلامی پرداخت. سپس به قصد ادامه تحصیل رهسپار نجف اشرف گردید. در آن‌جا نزد استادان بزرگ، از جمله سید محمد فیروزآبادی (م ۱۳۴۵ ه) و سید ابوتراب خوانساری (م ۱۳۴۶ ه) کسب فیض کرد و پس از درگذشت این دو استاد به درس دیگر مدرّسان حوزه راه یافت. او از همان اوان جوانی به مقام بلند علمی نایل آمده بود و از مراجع بزرگی چون سید ابوالحسن اصفهانی (م ۱۳۶۴ ه) و میرزا محمد حسین نائینی (م ۱۳۵۵ ه) و شیخ عبدالکریم حائری یزدی (م ۱۳۵۵ ه) و شیخ محمدحسین کمپانی غروی اصفهانی (م ۱۳۶۱ ه) به خط خود آنان اجازه اجتهاد دریافت داشت. بعضی علما هم برای وی اجازه روایت صادر کردند و در اجازاتشان مراتب فضل و تقوای وی را یادآور شدند و مقامات علمی و دینی و اجتماعی‌اش را ستودند (شهیدی و حکیمی، ۱۳۶۱: ۱۹؛ صدر حاج سید جوادی و دیگران، ۱۳۶۶ به بعد: ۲/ ۵۳۴-۵۳۵).

علامه امینی بعد از فراغت از تحصیل روی به زادگاه خویش نهاد و مدتی در تبریز ماند و به مشاغل صنفی پرداخت و با موقعیت شایسته‌ای که داشت، مورد توجه عموم قرار گرفت، لیکن دیری نپایید که دریافت زندگی بدین منوال چندان مطلوب و اکتفاکننده نمی‌تواند بود؛ از این رو، یکباره از آن چشم پوشید و به انگیزه ولای علی (ع) نخست به قصد زیارت تربت پاک نجف رهسپار آن دیار مقدس گردید و سپس کار تألیف و تحقیق را آغاز کرد و آثار ارزنده خود را به رشته تحریر درآورد که اثر گرانقدر و ماندگار «الغدیر فی

الکتاب و السنة و الأدب» در رأس آن‌ها قرار دارد و بارها در نجف و تهران و بیروت به زیور طبع آراسته شده است.

از علامه امینی، جز ولایت‌نامه الغدیر، نوزده کتاب و رساله وزین مطبوع و مخطوط دیگر به یادگار مانده است که برخی به موضوعاتی چون زیارت، ولایت، توحید و نیت اختصاص دارد و برخی نیز در تفسیر و فقه و تاریخ و درایت و کتاب‌شناسی است (← حکیمی، بی تا: ۳۲۰-۳۲۴).

این عالم ربانی در علم و عمل از آن چنان مقام و مرتبتی والا برخوردار بود که از هرگونه تعریف و توصیف بی‌نیاز است. وی نه تنها در فقه و اصول و حدیث و تفسیر و رجال و تاریخ و ادب ید طولایی داشت و جامع جمیع فضایل و کمالات انسانی بود، بلکه خطیبی توانا، مصلحی کبیر و مجاهدی نستوه به شمار می‌رفت که تمامت بود و نبود خویش را وقف اهداف بزرگ و مقدسی کرد که نشر ولای علی (ع) و دفاع از حریم تشیع و برقراری وحدت اسلامی در رأس همه آن‌ها قرار داشت.

سرانجام، آیت‌الله امینی پس از عمری تلاش علمی پیگیر و تحمل رنج سفرهای پژوهشی در راه احیای ارزش‌های اسلامی، بیمار شد و قوای جسمانی‌اش رو به ضعف و فتور نهاد. پس از مدتی کار بیماری بالا گرفت و او را از مطالعه و تحقیق بازداشت، تا این‌که در تیرماه سال ۱۳۴۹ شمسی (۱۳۹۰ هجری قمری) دیده از جهان فرو بست.

۳. ساختار کلی الغدیر

بحث و بررسی علمی درباره غدیر به عنوان به یاد ماندنی‌ترین روز تاریخی در جهان اسلام، موضوعی است مشتمل بر دو اصل اساسی، بدین شرح:

۱.۳ حادثه غدیر

این حادثه از مهم‌ترین قضایای تاریخی است که در مکان و زمان معین و با هدفی مشخص به وقوع پیوسته و خاستگاه بهین پیام وحیانی بوده است. البته مطالعه و تحقیق در این باره مستلزم رعایت اصول و ضوابطی از این قرار است:

۱. رجوع به منابع موثق و معتبر در اثبات وقوع حادثه.
۲. تثبیت اتفاقاتی که در آن حادثه به وقوع پیوسته است.

۳. شناخت عوامل و اسباب وقوع حادثه.
۴. شناخت هدف مورد انتظار از وقوع حادثه.
۵. آشنایی با ارتباط اصل و مفاد این ماجرا با زندگی مسلمانان از جهت تشریح و تطبیق.

۲.۳ حدیث غدیر

مرجع این حدیث خطبه‌ای است مفصل که پیامبر اکرم (ص) در غدیر خم برابر جمعیت کثیری از مسلمانان ایراد فرموده و بدان ولایت علی (ع) را اعلام داشته است. متنها این حدیث شریف نیز از جهاتی نیازمند بررسی‌های علمی دقیقی به شرح زیر است:

۱. بررسی سند حدیث طبق قواعد علم حدیث به منظور اطمینان از صدور یا عدم صدور آن از حضرت ختمی مرتبت.

۲. بررسی دلالت حدیث بر حسب وضع لغوی و اصولی و جز آن‌ها.

۳. شناخت ارتباط حدیث با زندگی مسلمانان از لحاظ تشریح و تطبیق.

علامه امینی بر محور این دو اصل طرحی نو درافکند و با عزمی راسخ به پژوهش علمی همه‌جانبه در تبیین «حادثه و حدیث غدیر» از منظر قرآن و سنت و ادب پرداخت و ضمائ و لواحق ارزنده‌ای را بر آن افزود و بدین‌سان کتاب بدیع و بی‌بدیل الغدیر تدوین یافت که از برهانی قوی، اسلوبی زیبا، نقدی متین و بیانی لطیف برخوردار است.

این کتاب شریف موجی عظیم در جهان اسلام پدید آورد و نظر رجال علم و ادب را به خود معطوف داشت، تا آن‌جا که با هماوایی به ستایش آن پرداختند و مزایای آن را برشمردند و با شگفتی از آن یاد کردند (← امینی، ۱۳۸۶: ۱ / ۳۱-۴۶). به هر حال آنچه الغدیر را از دیگر آثار مشابه متمایز می‌سازد، در دو بخش قابل طرح است:

۴. روش تحقیق

علامه امینی در مقام تحقیق، شیوه استقرایی را برگزیده و به کار بسته است که بهترین شیوه در بررسی اسناد احادیث و اخبار و مطالعه حوادث تاریخی به شمار می‌رود. وی نیز در بررسی غدیره‌هایی که در آن‌ها به حدیث یا حادثه غدیر اشاره شده است، ابتدا به تحلیل انتقادی روی می‌آورد و سپس برای اثبات موارد مرتبط با موضوع (حادثه یا حدیث) که در ضمن اشعار مذکور افتاده است، روش استقرایی را به کار می‌برد. با اتخاذ

چنین شیوه مناسب و مطلوبی تحقیق و تتبع علمی از جامعیت برخوردار می‌آید و در کمال اتقان سامان می‌پذیرد.

۵. ماده بحث

درباره ماده بحث جز این نشاید گفت که علامه تمام توان خود را در ارائه مباحث مربوط به حدیث و حادثه غدیر، ولایت و ولی و نیز ترسیم اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی اثرگذار و اثرپذیر در حوادث تاریخی به کار گرفت و در سطحی وسیع مطالعه و تحقیق را آغاز کرد و از زوایای گوناگون به حل و فصل قضایا پرداخت تا خواننده پس از مطالعه کتاب، به طور قطع و یقین دریابد که منصب ولایت حق مسلم علی (ع) بوده است. شایان ذکر این که غدیر به جهت وسعت دامنه تحقیق، آن چنان از کثرت مباحث و تنوع موضوعات برخوردار آمد که اطلاق «موسوعه علمی» یا «دائرة المعارف» بر آن صدق می‌کند. بر این اساس، سزاوار است که کتاب غدیر در شمار آثار علمی ماندگاری چون «جمهوریت» افلاطون، «الکتاب» سیبویه، «قانون» ابن سینا، «شافی» سید مرتضی، «مقدمه» ابن خلدون، «کافی» کلینی، «اسفار» ملاصدرا و نظایر آنها قرار گیرد.

۶. عناصر دخیل در ارتقای سطح علمی غدیر

در تألیف دائرة المعارف بزرگ و جامع غدیر و شکل‌گیری مباحث علمی مبسوط آن، علل و اسبابی نقش داشته‌اند که مهم‌ترین آنها بدین شرح است:

۱.۶ روشمندی

علامه امینی چنان که قبلاً اشارت رفت، روش استقرائی و تحلیل انتقادی را در امر پژوهش برگزید تا حق هر مطلب به شایستگی ادا شود و حاصل کار از صحت و قوت و متانت برخوردار آید. بدیهی است که اتخاذ چنین شیوه‌ای در مطالعات علمی نه تنها با دشواری‌هایی همراه است، بلکه مستلزم هدف‌داری، ژرف‌اندیشی و نکته‌سنجی عالمانه خواهد بود که صاحب‌الغدیر به حق از عهده تمامی آنها برآمده است.

کاربرد دقیق این شیوه در سراسر غدیر به ویژه در جلد اول به خوبی مشهود است. علامه امینی این جلد را به بحث درباره حادثه و حدیث غدیر اختصاص داده و به

ارزیابی این دو اصل محوری از زوایای مختلف پرداخته است. وی ابتدا از تاریخ صحیح و منطبق بر اصول مسلم علمی سخن می‌گوید تا براساس آن بررسی حادثه غدیر به درستی تحقق پذیرد و تصویری روشن از مهم‌ترین واقعه تاریخی در اسلام ارائه گردد. آنگاه به بیان اهمیت غدیر خم می‌پردازد تا به لحاظ علمی و اعتقادی مورد توجه قرار گیرد. از این رو گروهی از متخصصان علوم اسلامی و ادبیات عربی را نام می‌برد که این واقعه خطیر را در کتاب‌های خود ثبت کرده‌اند.

همو در ادامه به شرح تفصیلی واقعه غدیر خم و ابعاد کمی و کیفی آن اهتمام می‌ورزد که بی‌گمان از مهم‌ترین لوازم روش علمی در بررسی وقایع تاریخی به شمار می‌رود. سرانجام، علامه به بررسی دقیق و کامل متن و سند حدیث شریف غدیر می‌پردازد و مباحثی را در تواتر و صحت صدور آن از رسول خدا (ص) مطرح می‌سازد. در این مباحث به نام راویان حدیث غدیر از صحابه و تابعین و علما اشارت رفته و نیز از دانشمندانی سخن به میان آمده است که بر صحت و اعتبار حدیث غدیر اتفاق نظر داشته و درباره آن تألیفات ارزنده‌ای از خود برجای نهاده‌اند. تعداد این افراد به انضمام کسانی که در مقام مناشده و احتجاج به حدیث غدیر برآمده‌اند، بر پیش از ششصد تن بالغ می‌شود که فراتر از حد تواتر است و در نوع خود بی‌نظیر، چنان که گفته‌اند:

بهترین کتابی که در تواتر حدیث غدیر نوشته شده، کتاب الغدیر تألیف دانشمند بزرگ معاصر، علامه امینی است (طیب، ۱۳۵۲: ۴۹۸).

صاحب الغدیر پس از طرح این مباحث مفصل در تبیین سند حدیث غدیر به بحث در مفاد یا دلالت این حدیث برخلافت علی (ع) همت می‌گمارد و در مقام تحقیق، علاوه بر رعایت قواعد علمی رایج در معانی لفظ مولا و یادکرد آرای شماری از رجال علم و ادب در معنای حقیقی آن و پاسخ به پاره‌ای از شبهات، به طرح و تحلیل مطالبی تحت عنوان قرائن متصل و منفصل موجود در حدیث غدیر می‌پردازد و بدان‌ها بر امامت امیرمؤمنان (ع) صحه می‌گذارد که آیه تبلیغ، آیه اکمال، آیه سأل سائل (مائده: ۶۷، ۳ و معارج: ۱-۳) و احادیثی در بیان معنای مولا و ولایت از آن جمله است.

در مجموع علامه امینی را باید صاحب نوعی روش تحلیلی جامع‌نگر در تحقیقات تاریخی دانست، چراکه وی برخلاف اکثر مورخان مسلمان که آثارشان عمدتاً منحصر به جمع و تدوین بوده است، نقد و تطبیق در پژوهش را وجهه همت خود ساخت و براساس شناخت اصول و مبانی علم تاریخ به تألیف الغدیر پرداخت که سندی علمی و قاطع در

بازشناسی تاریخ اسلام به شمار می‌رود. از این رو، شایسته است که روش وی سرمشق اهل علم و تحقیق قرار گیرد.

۲.۶ موضوعیت

اعتماد و وثوق به منابع معتبر اهل سنت و جماعت موضوعی است که از اهمیتی خاص برخوردار بوده و در کانون توجه علامه امینی قرار داشته است. از آنجا که مباحث ولایی در ادوار گوناگون مورد اختلاف میان علمای عامه و خاصه بوده است، علامه بر آن شد که به اخبار و احادیثی استناد جوید که محدثان و حفاظ مشهور اهل تسنن در صحت و اعتبار حدیث غدیر و دلالت آن بر امامت مولا علی (ع) روایت کرده‌اند. وی این روایات را از صحاح و مسانید بزرگان اهل سنت و جماعت استخراج و در جای جای الغدیر ثبت و ضبط کرده است تا حقیقت جوهری غدیر به حکم کریمه «و شهد شاهد من أهلها» (یوسف: ۲۶) مقبول طبع و نظر پیروان مذاهب اربعه افتد و هیچ تردید و ابهامی در اولویت و احقیت امیر مؤمنان (ع) و اهل بیت گرامی‌اش به امر خلافت بر جای نماند.

۳.۶ صراحت لهجه

صراحت لهجه در بحث‌ها و بررسی‌های علمی امری پسندیده است، به ویژه در مسائل اختلافی، به شرط آن‌که پژوهشگر در ارزیابی آرای اشخاص حق را از نظر دور ندارد، زیرا حق تنها معیار سنجش ارزش‌ها و قضاوت درباره شخصیت‌هاست. صراحت لهجه بر مبنای حق و با رعایت ادب و نزاکت از ویژگی‌های بارز علامه امینی است که در سراسر الغدیر به چشم می‌خورد. وی در همه شئون زندگی و از جمله در حرکت علمی خویش به پاسداشت حق و عدالت ملتزم بوده و عملکرد منطقی و خردپسند داشته است. همو چون به مطالعه و بررسی آثار مؤلفان قدیم و جدید می‌پرداخت و با تعبیر رکیک و اهانت‌آمیز و هتک مقدسات مواجه می‌شد، به مقتضای کریمه «و إذا مرّوا باللغو مرّوا کراماً» (فرقان: ۷۲) متانت و سعه صدر از خود نشان می‌داد و سعی می‌کرد که با تأکید بر اصول و مبانی علمی به تحریفات و سخنان ناروا پاسخ دهد و به ایضاح مطلب و رفع ابهام پردازد. البته گهگاه و به ندرت از سر تکلیف و احساس مسئولیت تعبیراتی تند و عتاب‌آمیز در مواجهه

با مؤلفان غرض‌ورز و کژاندیش به کار می‌برد که نه خروج از حد حرمت قلم و ادب تألیف تلقی می‌شود و نه خلاف عقل و منطق و مغایر با موازین اخلاقی به حساب می‌آید (امینی، ۱۴۰۳: ۳/۲۵۸-۲۵۹، ۲۷۷). اصولاً صاحب الغدیر، خود در آغاز جلد هفتم واقع‌گویی را ارج نهاده و بر نفی سخت‌زبانی تأکید ورزیده و گفته است که صراحت لهجه را نباید با درشت‌گویی اشتباه کرد. آنگاه در تبیین عملکرد پسندیده خویش بدین شعر استناد جسته است:

یشتند فی سبب الخصومة لهجة لکن یرقّ خلیقة و طباعا
و کذلک العلماء فی أخلاقهم یتباعدون و یتلقون سراعاً

(امینی، ۱۴۰۳: ۷/ب)

این شعر جزئی از چکامه شاعر اهرام، استاد محمد عبدالغنی حسن مصری در وصف علّامه و الغدیر است که از صراحت لهجه، نرم‌خویی، قاطعیت علمی، مسئولیت‌شناسی و موضع‌گیری آن جناب در راه عقیده حکایت دارد.

۴.۶ امانت علمی

رعایت امانت در امور پژوهشی نه تنها از نظر اخلاقی مستحسن و حائز اهمیت است، بلکه از اصول اولیه هر اثر علمی به شمار می‌رود و بی‌توجهی بدان حاصل پژوهش را بی‌اعتبار و از حیث انتفاع ساقط می‌کند. علامه امینی در تألیف الغدیر به امانت در نقل اهتمامی تمام داشت و از دقت نظری ستودنی برخوردار بود. وی با علم به این‌که امانت تألیف و نقل امری مهم و مایه وثوق است و ارزش و اعتبار آثار علمی بدان بستگی دارد، نقل معتبر و استناد به منابع موثق را وجهه همت خود ساخت و در کمال خلوص و امانت به تبیین حقایق تاریخی و تحکیم مبانی اعتقادی پرداخت.

به‌هر حال دقت و امانت در نقل از خصوصیات بارز و برجسته الغدیر بوده و مورد توجه اهل فضل و ادب قرار گرفته است، چنان‌که استاد عبدالصاحب دجیلی در این باره خطاب به علامه امینی گوید:

تحدّثنا و انت بنا امین لذاک دعیت بالحر الامینی

(امینی، ۱۴۰۳: ۷/۴۱۲)

چون در کمال صدق و امانت سخن گفتی، علامه امینی نام گرفتی.

۵.۶ شجاعت در دفاع از حریم ولایت

شجاعت در تداول علمای اخلاق قوه‌ای میان تهور و جبن است که دو طرف افراط و تفریط آنند و به کسی شجاع گویند که در ناملازمات شکبیا و بر تحمل شداید توانا باشد، چنان که رسول خدا (ص) فرمود: «أشدّ کم من غلب نفسه عند الغضب» (سیوطی، بی‌تا: ۱/ ۴۲): نیرومندترین شما کسی است که هنگام غضب بر خویشتن چیره آید. بر این اساس شجاعت، این خصلت پسندیده که حاصل تهذیب قوت غضبی است، آن چنان در وجود مبارک صاحب‌الغدیر تجلی یافته و نهادینه شده بود که عالمان و ناقدان بزرگ بدان اشاره کرده‌اند.

اصولاً شجاعت از صفات سرآمد وی بود که با بهره‌گیری از آن پای به میدان تحقیق نهاد و دست به قلم برد و به دفاع از حق اهل بیت پرداخت و جان‌ها را به نور ولایت روشن ساخت. گفتنی است که در میان دانشمندان کسی را چون شیخ مفید از پیشینیان و علامه امینی از معاصران نتوان یافت که دلاورانه و با شجاعتی کم‌نظیر به دفاع از حریم ولایت و تشیع همّت گمارده باشند.

در واقع علامه که به تعبیر خواجه نصیر «نفس غضبی را در انقیاد نفس ناطقه درآورده بود و از فعل جمیل و صبر محمود به غایت بهره داشت» (طوسی، ۱۳۵۶: ۱۱۱)، نمونه مجسم شجاعت در حوزه علم و عمل بود.

۶.۶ دعوت به وحدت اسلامی

وحدت در آیین مقدس اسلام از مهم‌ترین مسائل اجتماعی است که در پرتو آن می‌توان از انواع وابستگی‌ها رهایی یافت و در اصلاح امور جامعه توفیق حاصل کرد و با قدرت و صلابت تمام به مقابله با هرگونه توطئه و تهاجم برخاست. با سیری در کتاب شریف‌الغدیر می‌توان به نقش مؤثر و سازنده علامه امینی در برقراری وحدت اسلامی پی برد و دریافت که آن بزرگوار بدین مهم توجهی خاص مبذول داشته و در فرصت‌های مقتضی به طرح این مسئله در مجلدات‌الغدیر پرداخته و بر دعوت به وحدت و اجتناب از تفرقه تأکید ورزیده است.

علامه در مقدمه جلد اول با اشاره به نقش‌الغدیر در جهان اسلام می‌گوید: «ما این کتاب را به منظور خدمت به دین و اعلائی کلمه حق و احیای امت اسلامی و ابراز ارادت به ساحت مقدس صاحب‌ولایت تألیف کرده‌ایم» (امینی، ۱۴۰۳: ۱/ ۲). همو در

مقدمه جلد هشتم تحت عنوان «الغدیر یوحّد الصفوف فی الملاً الإسلامی» به تبیین نقش الغدیر در وحدت اسلامی می‌پردازد و از تأثیر انکارناپذیر آن در رفع ابهامات و تقریب میان مذاهب اسلامی سخن می‌گوید، آنگاه اعترافات شماری از دانشمندان مسلمان را شاهد می‌آورد (← همان: ۸/ ز - ط). این دانشمندان از تلاش پیگیر علامه در برقراری اتحاد فراگیر میان شیعه و سنی به نیکی یاد کرده‌اند و الغدیر را کتابی علمی، اصلاحی و روشنگر حقیقت تشیع علوی دانسته و آن را سندی جامع و معتبر در موضوع وحدت اسلامی و اخوت ایمانی شمرده‌اند.

استاد مطهری را مقاله ارزنده‌ای است با عنوان «الغدیر و وحدت اسلامی» که ما را از نقل نمونه‌های بیشتر در این مقوله بی‌نیاز می‌سازد (← مطهری، ۱۳۶۲: ۸۹-۹۶).

در هر حال علامه امینی از آن‌جا که سخت معتقد به وحدت اسلامی بود، الغدیر را تألیف کرد تا شناختی دقیق از شیعه به دست دهد و بدین گونه توطئه‌های استکبار را در تضاد با اسلام ختنی سازد و به رفع اتهامات بی‌اساس از ساحت تشیع پردازد و با ایجاد معرفت صحیح و اصولی نسبت به شیعه، زمینه‌ای مساعد در شکل‌گیری اتحاد اسلامی فراهم آورد و این آرمان بزرگ و والا را در سطح جهانی تحقق بخشد.

سرانجام، اهتمام معظم له در این راه به نتیجه رسید و با استقبال و رویکرد مثبت بسیاری از متفکران جهان اسلام مواجه شد. آنان در تقریظ‌هایی که بر الغدیر نوشته‌اند، از نقش مهم این کتاب در بازشناسی حقایق ناب تشیع یاد کرده و آرزو برده‌اند که الغدیر در رهایی از تعصبات کورکورانه، رفع شکاف از صفوف مسلمین، برقراری صلح و صفا میان اهل قبله و تجسم عینی وحدت در مقیاس جهانی مؤثر افتد و فرهنگ اصیل اسلامی به جایگاه رفیع خود باز آید.

۷.۶ پشتکار و بردباری در پژوهش

تلاش و جدیت آمیخته با صبر و حوصله در مطالعات علمی از ویژگی‌هایی است که هیچ پژوهنده‌ای از اتصاف بدان بی‌نیاز نیست. چه بسا کسانی که با طرح و برنامه‌ای دقیق و عزمی راسخ دست به کار تحقیق می‌شوند، اما همین که کار از نیمه می‌گذرد، رو به فتور و سستی می‌گذارد و به تدریج افت می‌کند و آثار خستگی، بی‌رغبتی و کم‌حوصلگی در آن نمودار می‌گردد. بدیهی است که چنین کارکردی به جهت مغایرت با آیین پژوهش و سنت علم و وجدان کاری، نتیجه‌ای مطلوب و رضایت‌بخش در پی نداشته باشد.

علامه امینی، این محقق بزرگ و توانا با تلاش بی‌وقفه، پشتکار درخور تحسین و دقت نظر علمی در طریق تحقیق گام نهاد و تمام توان خود را به کار گرفت و تا وصول به هدف لحظه‌ای از پای ننشست. رنج سفرهای پژوهشی را بر خود هموار ساخت و به کندوکاوی ملال‌آور در صدها کتاب پرداخت و با اندوخته علمی سرشار به طرح مباحث دامنه‌داری در اهمیت واقعه تاریخی غدیر خم و دفاع از حریم ولایت همت گماشت و به مقتضای حدیث شریف «إِنَّ الْإِمَامَةَ زَمَامُ الدِّينِ وَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ صَلَاحُ الدُّنْيَا وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ» (کلینی، ۱۴۰۱: ۱/ ۲۰۰) نظام رهبری و فلسفه سیاسی اسلام را تبیین و تثبیت کرد و سرانجام الغدیر تدوین یافت، به گونه‌ای که جمیع فصول و مباحث آن از هر نظر پربار و غنی است و میان بخش‌های آغازین و پایانی کتاب به لحاظ جامعیت و غنای علمی تفاوتی دیده نمی‌شود. در واقع این ویژگی بیانگر اصالت پژوهش است که کثرت مآخذ، استقصای آراء، قدرت ابتکار، رزانت استدلال، جزالت اسلوب و استواری منطق از مختصات آن به حساب می‌آید.

۸.۶ جامعیت فرهنگی

اسلام دین جهانی و جاودانی است با مجموعه‌ای از آداب و سنن، عادات و اعتقادات، باورها و رفتارها، علوم و معارف و دیگر خصوصیات برجسته، که منشأ فرهنگی عظیم و ممتاز بوده و در پیشرفت علوم و فنون گوناگون تأثیری بسزا داشته است. پیدایش این فرهنگ و عظمت و کمال شگفت‌انگیز آن مرهون ذوق معرفت‌جویی و حس کنجکاو بود که در قرآن و سنت بدان تصریح شده است. اصولاً فرهنگ اسلامی پدیده‌ای است انسانی و جهانی که حد و مرز نمی‌شناسد، محدود به زمان و مکان خاصی نیست و به هیچ قوم و طبقه و نژادی تعلق ندارد.

نمونه بارز این فرهنگ مترقی اصیل کتاب گرانقدر الغدیر است که یکی از جامع‌ترین متأثر فرهنگی اسلام به شمار می‌آید. در واقع الغدیر دائرةالمعارفی از فرهنگ اسلامی است حاوی مباحث ارزنده‌ای در تاریخ، تفسیر، کلام، حدیث، رجال، درایه، لغت، کتاب‌شناسی و تاریخ ادبیات غدیر که در نوع خود بی‌نظیر است و از نبوغ ذاتی، احاطه علمی، قدرت ابداع و وسعت نظر پدیدآورنده‌اش حکایت دارد. استاد توفیق فکیکی بغدادی با اشاره به ارزش فرهنگی الغدیر گوید:

کتاب الغدیر از حیث علم و هنر و تاریخ و تراجم و فرهنگ بی‌نظیر و نایاب است و

افتخار تألیف این اثر نفیس، نصیب علامه امینی گشته است که بزرگ‌ترین خدمت را به فرهنگ اسلامی تقدیم داشت و اعجاب و تحسین همگان را نسبت به خود برانگیخت (امینی، ۱۳۸۶: ۱/۳۶).

مصلح بزرگ، سید شرف‌الدین عاملی نیز الغدیر را دائرةالمعارف کمیاب و بی‌مانندی دانسته و آن را حاصل کوشش فرهنگی بی‌نظیری در شمار آورده است. (همان: ۱/۳۷). در مجموع، ارزش و اعتبار فرهنگی الغدیر و نقش مؤثر آن در تبیین آرمان‌های والای اسلام و حقایق تشیع چنان است که لازم می‌آید از علامه امینی به عنوان پیشتازی برجسته در عرصه تاریخ و تمدن و فرهنگ اسلامی نام برده شود؛ شخصیت ممتاز و کامل عیاری که مصداق راستین عالم ربّانی بود و جامع جمیع کمالات نفسانی.

۹.۶ سبک ادبی

ادب اسلامی همانند سایر علوم و فنون بخش مهمی از میراث اسلامی محسوب می‌شود که نشاط‌انگیز است و از تنوع کم‌نظیری برخوردار. در گستره این ادب پرجاذبه تأثیر قرآن کریم کاملاً محسوس است، به ویژه در ادب عربی که عالی‌ترین جلوه ادب اسلامی است و زبان آن پشتوانه‌ای وحیانی دارد و الغدیر بدین زبان تدوین یافته است.

بر این اساس، نخستین امتیاز نگارشی الغدیر، کتابت آن به زبان عربی است که در واقع زبان قرآن است و بر دیگر زبان‌های حوزه وسیع ادب اسلامی رجحان دارد، خصوصاً که متن الغدیر با آیات قرآن درآمیخته و به اشکال گوناگون افتتاح و اختتام، اقتباس و تضمین، استدلال و استشهاد، و نفی و اثبات بروز و ظهور یافته است. بی‌گمان این امر حاکی از احاطه علمی علامه امینی به قرآن و تبّحر و تضرّع وی در تفسیر و علوم و معارف قرآنی بوده است که در هر مناسبت با ظرافتی خاص از کلام وحی الهام می‌گرفته و هدایت می‌طلبیده است، چنان که استاد عبدالفتاح عبدالمقصود مصری در تقریظی که بر الغدیر نوشته، گوید: «إنه لیستهدی التنزیل» (امینی، ۱۴۰۳: ۱/۶ و).

سبک نویسندگی الغدیر خود مزیتی دیگر است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت، چه این دائرةالمعارف اندک‌یاب سرشار از علم و ادب و حقایق ناب از نثری روان و شیوا، بافتی متین و استوار، تعبیری لطیف و شاعرانه، بیانی حماسی و جذاب، منطقی دقیق و روشن‌گر، و مضامینی بکر و بدیع برخوردار است که از تسلط کامل نویسنده توانای آن به زبان و ادب عربی حکایت دارد.

ادیب توانا، استاد محمدرضا حکیمی الغدیر را از نظر مایه ادبی، قدرت تعبیر، اسلوب بلاغت و وسعت واژگانی ارج نهاده و چنین توصیف کرده است:

این کتاب به جز جنبه‌های دیگر، از نظر ادبی و سبک نویسندگی و نثری که در آن به کار رفته است، در سطح بالا جای دارد. مرحوم امینی سال‌ها زحمت کشید تا توانست چنین نثری بنویسد و آن را در الغدیر به کار برد و آن همه اطلاع و معلومات را در قالبی والا عرضه دارد (حکیمی، بی‌تا: ۱۵).

در این راستا برخی از محققان بزرگ و ناقدان بصیر عرب نوادر ادبی الغدیر را در کانون توجه خود قرار داده‌اند و از آن با تعابیری چون اسلوب زیبا، نقد متین، بیان لطیف و شیوایی کلام یاد کرده و بر ذوق سلیم، قوت نطق و متانت رأی علامه امینی صحه نهاده‌اند (← امینی، ۱۳۸۶: ۱/۳۷، ۳۸).

شاعر عراقی، محمدباقر هجری ضمن چکامه‌ای غراً در نعت صاحب الغدیر، مهارت معظم له را در سخنوری و نویسندگی ستوده و خطاب بدو گفته است:

یا صاحب القلم الذی بیبانه قد أعجب البلغاء و الفضحاء

(امینی، ۱۴۰۳: ۸/۳۹۰)

ای نویسنده‌ای که با بیان خود، زبان‌آوران و سخن‌شناسان را به شگفتی واداشته‌ای.

۱۰.۶ اصول ثابت پژوهش شیعی

مطالعات شیعی بر سه اصل اصالت رأی، ژرف‌اندیشی و آزادی عمل استوار است که معیار پژوهش علمی نزد دانشمندان شیعه در سده‌های گوناگون بوده و از بدو پیدایش طریقه اجتهاد به همت پیشوای فقهای اسلام، شیخ طوسی تا روزگار فقیه تاریخ، علامه امینی ادامه داشته است. در واقع علامه که خود از مصلحان بزرگ و مجتهدان سرشناس معاصر بود، با تکیه بر این اصول و کاربرد عناصر تأثیرگذار در ارتقای سطح علمی الغدیر مورد توجه اهل علم و فرهنگ و ادب قرار گرفت تا آن‌جا که بسیاری از اندیشمندان و سخنوران جهان اسلام به عظمت روحی و مقام شامخ علمی آن جناب پی بردند و تقاریظی به نظم و نثر بر الغدیر نوشتند و با تعابیری زیبا به یادکرد ارزش‌های نهفته در آن پرداختند.

۷. خطوط کلی ماده پژوهش در الغدیر

علاوه بر قضایای مختص به حادثه و حدیث غدیر که قبلاً به تفصیل از آن سخن رفت، مباحث مهم الزام‌آوری در سراسر الغدیر مطرح شده است که پرداختن به آن‌ها پژوهش را از کمال مطلوب برخوردار می‌سازد. خلاصه مباحث مزبور از این قرار است:

۱.۷ غدیریه‌ها و غدیریه‌سرایان

یکی از مفصل‌ترین مباحث الغدیر به غدیریه‌هایی از صد و پنجاه غدیریه‌سرای توانا اختصاص دارد که در طول دوازده قرن سروده شده و با چکامه‌ای غراً از امیرمؤمنان علی (ع) آغاز گشته است. بسیاری از غدیریه‌ها اثر طبع موزون شاعران سرشناسی چون کمیت بن زید (م ۱۲۶هـ)، ابوتمام طائی (م ۲۳۱هـ)، دعبل خزاعی (م ۲۴۶هـ)، ابن رومی (م ۲۸۳هـ)، ابوفراس حمدانی (م ۳۵۷هـ)، صاحب بن عبّاد (م ۳۸۵هـ)، مهیار دیلمی (م ۴۲۸هـ)، ابوالعلاء معری (م ۴۴۹هـ)، سبط ابن تعاویذی (م ۵۷۳هـ) و صفی‌الدین حلّی (م ۷۵۲هـ) است و شماری تراوش قلم عالمان خوش‌قریحه‌ای چون شریف رضی (م ۴۰۶هـ)، سید مرتضی (م ۴۳۶هـ)، قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳هـ)، شیخ ابراهیم کفعمی (م ۹۰۵هـ)، شیخ بهائی (م ۱۰۳۱هـ)، شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴هـ) و سیدعلی خان مدنی (م ۱۱۲۰هـ). البته از بیشتر این سخنوران یک غدیریه و از برخی دو یا چند غدیریه نقل شده است که در رأس آنان شاعر اهل بیت، سیداسماعیل حمیری (م ۱۷۳هـ) با بیست و سه غدیریه قرار دارد.

علامه امینی ابتدا مباحث مفیدی را در اهمیت شعر و شاعری از دیدگاه قرآن و حدیث و برخورداری شاعران متعهد از حمایت محبت‌آمیز پیشوایان اسلام مطرح کرده و سپس به یادکرد غدیریات گوناگون همراه با شرح کامل احوال و آثار سرایندگان آن‌ها پرداخته است که از مجموع این مطالب تاریخ ادبیات غدیر شکل می‌گیرد.

۲.۷ نقد کتاب

نقد سخن در حوزه مطالعات اسلامی سابقه‌ای دیرینه داشته و همواره مطمح نظر اندیشمندان مسلمان بوده است که به عنوان نمونه می‌توان به انتقاد ابن ادریس حلّی (م ۵۹۸هـ) بر پاره‌ای از آرای شیخ طوسی اشاره کرد و از خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲هـ) نام برد که در

کتاب تذکره، هیئت بطلمیوسی را به شدت انتقاد نمود و خود نظریات بدیعی پیشنهاد کرد (← آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۷۶: ۲۰-۲۱؛ زرین‌کوب، ۱۳۶۲: ۶۹). مقوله نقد از آن جهت حائز اهمیت است که در پرتو آن، هم اعتبار و ارزش واقعی آثار علمی معلوم می‌شود و هم زمینه تحول و تکامل فرهنگی فراهم می‌آید. بدیهی است که حصول این امر جز با اجتناب از مبالغه‌گویی و قلب واقعیات و رعایت موازین علمی و اخلاقی امکان‌پذیر نیست.

در این راستا علامه امینی هوشمندانه دست به قلم برد و با بهره‌گیری از دانش سرشار، منطق قوی و درک و فهم نکته‌یاب به منظور تبیین فلسفه سیاسی اسلام، دفاع از حریم ولایت، بازگویی حقایق اعتقادی تشیع و ایجاد وحدتی اصولی در میان مسلمانان، به نقد و بررسی آثار آکنده از خرافات و تحریفات و اتهامات جمع‌کنیری از مؤلفان بی‌حفاظ پرداخت که حقایق و احکام اسلام را سهواً یا عمدتاً وارونه جلوه داده‌اند. نقد در الغدیر از آن چنان جاذبه‌ای برخوردار است که مرجع دینی شیعه، آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی گوید:

کتاب الغدیر حاوی دروسی عالی و مباحثی در نقد و بررسی قضایای تاریخی و تفکیک سره از ناسره در فقه و تفسیر و حدیث و رجال است که راه ورود به مدینه علم و عمل را هموار می‌سازد (امینی، ۱۳۸۶: ۱/۳۶).

کثرت کتاب‌های نقدشده در الغدیر چنان است که فهرست شمار عمده‌ای از آن‌ها بر بیش از هشتاد عنوان بالغ می‌شود (← حکیمی، بی‌تا: ۱۸۸-۱۹۱، ۱۹۷-۲۰۰). این کتاب‌ها در موضوع تاریخ، تفسیر، حدیث، کلام و رجال تدوین شده و پاره‌ای از آن‌ها به مجموعه‌های ادبی اختصاص یافته است. نویسندگان این آثار غالباً از قدما بوده‌اند و مابقی نیز از معاصران عرب و خاورشناسان. برای آشنایی بیشتر می‌توان فصل مبسوطی از جلد سوم الغدیر را تحت عنوان «نقد و اصلاح» از نظر گذراند که با کتاب العقد الفرید، تألیف ابن عبدربه (م ۳۲۸هـ) آغاز گشته و با کتاب الوشیعة فی نقد عقائد الشیعة، تألیف موسی جارالله (م ۱۳۶۹هـ) پایان پذیرفته است.

تنوع موضوعی و حجم زیاد کتاب‌هایی که صاحب الغدیر به نقد و بررسی آن‌ها مبادرت ورزیده است، نه تنها از تلاش پژوهشی توان‌فرسا و احاطه علمی شگفت‌انگیز آن جناب حکایت دارد، بلکه از مجموع این انتقادات می‌توان پژوهش‌نامه‌ای جامع ترتیب داد و معیاری وزین در نقد متون دینی در اختیار دانش‌پژوهان نهاد.

۳.۷ کشف خطاها و اشتباهات

یکی از خصایص مهم و برجسته الغدیر که طیفی وسیع را دربر گرفته و حاصل باریک‌بینی و دقت نظر علمی مؤلف سخت‌کوش آن بوده است، کشف خطاها و خطاها و تحریفاتی است که شماری از محققان علوم و معارف اسلامی مرتکب آن‌ها شده‌اند. علامه امینی ضمن مطالعات و بررسی‌های علمی دقیق و دامن‌دار خویش در آثار مکتوب قدما و معاصران به کاستی‌ها و ناراستی‌هایی پی برده و با جدیت تمام به نقد و اصلاح آن‌ها اهتمام ورزیده است. البته این اشکالات از دو حال خارج نیست، یا سهوی و از روی غفلت و ناآگاهی بوده و یا با علم و اطلاع پدید آمده است که به عنوان مثال می‌توان بدین شواهد اشاره کرد:

۱. نظر اصلاحی راجع به روایتی که ابن خلکان در بیان قضیه غدیر نقل کرده است (← امینی، ۱۴۰۳: ۱/ ۲۶۸).
 ۲. انتقاد بر طبری و ابن کثیر خصوصاً بر محمدحسین هیکل که در نقل حدیث «عشیره» دخل و تصرف کرده‌اند (← همان: ۲/ ۲۸۷-۲۸۹).
 ۳. ایراد و پاسخ به رأی قصیمی و موسی جارالله در تحریم متعه، با طرح مباحثی مبسوط در اباحت و جواز و حدود آن که در قرآن و سنت بدان تصریح شده و مورد تأیید جمع کثیری از صحابه و تابعین و مفسران و محدثان عامه و خاصه قرار گرفته است (← همان: ۳/ ۳۰۶-۳۰۷، ۳۲۹-۳۳۳ و ۱۹۸/ ۶-۲۴۰).
- به‌هرحال، استاد علامه در این گونه موارد بر اساس مدارک و منابع اهل سنت و جماعت به نوعی بازسازی علمی دست یافته و به تفکیک سره از ناسره موفق آمده است.

۴.۷ نفی و رد سخنان شبه‌ناک و افترائی درباره شیعه و تشیع

اسلام برترین و تواناترین آیین الهی در پاسخ به اشکالات و ردّ شبهات است که با برهانی قاطع بر تمامی موهومات و تحریفات و اظهار نظرهای بی‌اساس خط بطلان می‌کشد و با تفرقه‌افکنی‌ها و نفاق‌انگیزی‌ها سرسختانه به مبارزه برمی‌خیزد و انسان‌ها را که به‌مثابه اعضای یک پیکرند، به کلمه توحید و سپس توحید کلمه دعوت می‌کند.

علامه امینی با چنین بینشی الغدیر را به عنوان کتابی اصلاحی تدوین کرد و در آن به طرح مباحثی در دفاع از حریم ولایت و بازشناسی حقایق ناب تشیع پرداخت تا بدین

وسیله زمینه‌ای مساعد جهت پیدایش وحدت اصولی و فراگیر و برقراری همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی فراهم آید. معظم له به منظور تحقق این مهم کوشید که با بیانی استدلالی و مستند اتهاماتی را که مؤلفان متعصب و بی‌تعهد به شیعه زده بودند، بزداید و جامعه را از پذیرش نظریات شبهت‌آلود و ناصواب آنان برحذر دارد.

خلاف‌نویسی‌ها و گزافه‌گویی‌ها درباره شیعه به حدی است که در بیش از نیمی از مجلدات الغدیر به طرح و رد آن‌ها پرداخته شده است. در این راستا می‌توان از عبدالله قصیمی نام برد که در تهمت‌زدن به اهل تشیع گوی سبقت از همگان ربوده و به پیروی از ابن تیمیه، در موضوعات عقیدتی گوناگون، از قبیل «عصمت ائمه»، «تناسخ ارواح»، «علم غیب» و «توسل و تبرک» به ژاژخایی و شبهه‌افکنی روی آورده است (← امینی، ۱۴۰۳: ۲۹۴-۲۹۸، ۳۰۵-۳۰۶؛ ۵۲/۵-۵۴، ۹۰-۹۳ و ۷/۳۰۳-۳۰۵).

شاعر مبتکر عرب، استاد یحیی صالح حلّی را چکامه‌ای است شیوا در وصف الغدیر که در آغاز آن به عملکرد علامه امینی در رفع شبهات و ابهامات اشاره کرده و خطاب بدو گفته است:

أنرت بسفرک هذا الجلیل طریق الهدایة للمجحف
و أوضحت أكذوبة الجاحدين فلاح لنا منه سرّ خفی

(امینی، ۱۴۰۳: ۳۹۸/۹)

تو با این کتاب گرانقدر، چراغ هدایت را فرا راه سرگشتگان برافروختی.
و دروغ‌های منکران را برملا ساختی؛ در نتیجه، راز پنهانی بر ما آشکار گشت.
در واقع کار سترگ علامه در حل و فصل قضایای شبهه‌ناک و زدودن غبار تهمت و افترا از چهره تابناک تشیع، آن چنان در ایجاد شناخت صحیح نسبت به شیعه مؤثر افتاد که شماری از متفکران و صاحب‌نظران جهان اسلام پس از مطالعه دقیق الغدیر، و ملاحظه حقایق انکارناپذیر تشیع، به شگفت آمدند و مساعی علامه را در تبیین تفکر شیعی ارج نهادند و حتی «دانشمند سرشناس مصری، استاد علاءالدین خروّفه به نگارش مقالاتی در هواداری از شیعه پرداخت و آن‌ها را در نشریات مصری «السعد» و «الأهرام» منتشر ساخت و با پیامدهای ناگواری نیز مواجه گشت» (← امینی، ۱۴۰۳: ۱۱/ز).

۵.۷ مطالعات مبسوط در مناقب

مناقب و ستودن خصال نیک از مسائلی است که به حد وفور و اشکال گوناگون در سراسر غدیر به چشم می‌خورد و در سه بخش قابل طرح و بررسی است:

۱.۵.۷ مناقب امام علی (ع)

مناقب امیر مؤمنان علی (ع) از اولویت و اهمیتی خاص برخوردار است و بر سه محور استوار:

۱. آیات و احادیثی که در شأن آن حضرت نازل و روایت شده است.

صاحب‌الغدیر در اثبات ولایت علوی و دفاع از حریم تشیع به مجموعه‌ای از آیات و احادیث استناد جسته است که از باب نمونه می‌توان به سوره‌های مبارکه «هل أتى» و «عصر» و آیات بینات «تبلیغ»، «اکمال»، «مودت»، «مباهله»، «تطهیر» و «ولایت» و نیز احادیث شریف «غدیر»، «لیلة المبيت»، «مؤاخات»، «ردّ الشمس»، «منزلت»، «ثقلین»، «سفینه»، «سدّ الابواب»، «مدینه العلم» و «براءت» اشاره کرد و جملگی را به انضمام روایاتی در علم و اسلام علی (ع) نمودهای روشن و آشکاری در عظمت روح و علو شأن حضرتش به شمار آورد. بیشتر این احادیث از رسول اکرم (ص) و پاره‌ای از بعضی ائمه اطهار روایت شده است که دستیابی به آنها با مراجعه به فهرست احادیث کتاب المنیر امکان‌پذیر خواهد بود.

۲. غدیره‌های غدیره‌سرایان که قبلاً به تفصیل از آن سخن رفت.

غدیره‌ها در واقع چکامه‌هایی است در تبیین مسئله ولایت که در واقع جوهر حقیقی واقعه تاریخی غدیرخیم و هسته اصلی فلسفه سیاسی اسلام به حساب می‌آید. در این غدیره‌ها علاوه بر یادکرد حادثه و حدیث غدیر، معمولاً به برخی از فضایل بی حد و حصر مولای متقیان (ع) اشارت رفته است که به عنوان مثال می‌توان غدیره صاحب بن عبّاد را از نظر گذراند و تأثیر آیات «ولایت» و «تطهیر» و نیز احادیث «لیلة المبيت»، «مؤاخات»، «ردّ الشمس»، «طیر مثنوی»، «منزلت» و «مدینه العلم» را در آن مشاهده کرد (← امینی، ۱۴۰۳: ۴/ ۴۰).

۳. مدایح علوی که ضمن شرح حال بعضی شاعران غدیره‌سرا مذکور افتاده است.

جز غدیره‌ها که به ماجرای غدیرخیم و مسئله ولایت اختصاص دارد، غدیر آکنده از قصیده‌هایی در نعت امام علی (ع) است که در بسیاری از آنها تنها به بیان مناقب و فضایل خاص آن حضرت پرداخته شده و در برخی نیز مدح مولا و اهل بیت به هم

در آمیخته است، به گونه‌ای که چکامه با ذکر منقبت علی (ع) آغاز می‌شود و با مدح و ثنای اهل بیت پایان می‌پذیرد. بی‌گمان مراجعه به دو نمونه شعر بلند از ابومحمد عونی و مهیار دیلمی در این خصوص ما را از یادکرد نمونه‌های دیگر بی‌نیاز می‌سازد (← امینی، ۱۴۰۳: ۴/ ۱۳۰-۱۳۷، ۲۵۱-۲۵۶).

۲.۵.۷. مدایح و مرثی پیشوایان معصوم

علاوه بر سخنان مشهور و منظوم در بیان فضایل مولا علی (ع) اشعاری از شاعران غدیری‌سرا در الغدیر وجود دارد که در مدح و رثای خاندان عصمت و طهارت سروده شده است. این اشعار غالباً در نعت رسول اکرم (ص)، مدح اهل بیت و آل محمد، منقبت شماری از حضرات معصومین و به ویژه رثای سبط شهید، حسین بن علی (ع) به نظم درآمده و در ذیل شرح حال بسیاری از غدیری‌سرایان ثبت و ضبط شده است (← امینی، ۱۴۰۳: ۲/ ۳۰۵، ۳۸۱-۳۸۴؛ ۵/ ۴۵۳-۴۵۵ و ۶/ ۳۵۱-۳۵۴).

۳.۵.۷. مدایح و مرثی بزرگان اسلام

این بزرگان جمعی از صحابه و تابعین و صالحان و عالمان برجسته‌اند که از ایشان به خیر و نیکی یاد شده است. ذکر جمیل برخی در اخبار و احادیث آمده و مدح و ثنای برخی دیگر در قالب چکامه‌های شیوا بیان گشته است و گروهی نیز به هر دو شیوه مورد ستایش قرار گرفته‌اند.

صاحب‌الغدیر در تبیین فضایل و مکارم اخلاق بعض صحابه، چون ابوذر و ابن مسعود و عمار یاسر و شماری از صالحان کوفه، مانند مالک اشتر، زید بن صوحان، عدی بن حاتم، عمرو بن حمق و کمیل بن زیاد، به پاره‌ای از احادیث نبوی و علوی استناد جسته و در مدح و رثای حضرت ابوطالب و زید بن علی علیهماالسلام، به نقل مجموعه‌ای از روایات معصومین و اشعار نغز و دلنشین پرداخته است. افزون بر این، معظم له از کتاب‌هایی نام می‌برد که در ایمان ابوطالب (ع) و فضل زید شهید به نگارش درآمده است (← امینی، ۱۴۰۳: ۳/ ۶۹-۷۳؛ ۷/ ۳۷۸-۴۰۹؛ ۸/ ۳۰۸-۳۱۶ و ۹/ ۷-۱۱، ۲۰-۲۸، ۳۸-۴۷).

در این راستا لازم است به عنوان نمونه از قصایدی سخن به میان آید که در رثای سفیر فداکار سیدالشهداء (ع)، مسلم بن عقیل و دو تن از دانشمندان بزرگ اسلام، شیخ مفید و سید مرتضی سروده شده است، به ویژه از قصیده بلندی که سید مرتضی بدان استادش شیخ مفید را مرثیه گفته است (← همان: ۴/ ۲۹۸؛ ۵/ ۵ و ۶/ ۱۶).

با امعان نظر در این بخش روشن می‌شود که اکثر قریب به اتفاق مباحث الغدیر به مناقب اعجاب‌انگیز و فضایل منحصر به فرد امام علی (ع) اختصاص یافته و بیانگر عظمت روح و وسعت نظر آن انسان کامل به حق واصل بوده است که بر همه عوالم روحی بشریت احاطه دارد. در رفعت قدر و علو شأن حضرتش همین بس که خدای تعالی در قرآن کریم وی را ستود و آیاتی در شأنش نازل فرمود و پیامبر اکرم (ص) نیز در وصف کمالش ذرها سفت و گفتنی‌ها را گفت، چنان که در روایات آمده است:

نزلت فی علی ثلاثمائه آیه (شبلنجی، بی تا: ۹۰): سیصد آیه درباره علی نازل شده است. ما نزل فی أحد من کتاب الله تعالی ما نزل فی علی علیه السلام (همان): آیاتی که از کتاب خدا در حق علی نازل گشته، درباره هیچ کس نازل نشده است.

در همین راستا از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود:

لو أن الریاض أقلام و البحر مداد و الجن حساب و الإنس کتاب، ما أحصوا فضائل علی بن أبی طالب (قندوزی، بی تا: ۶۵/۲): اگر درختان گیتی به قلم و آب دریاها به مرکب تبدیل شود و پریان و آدمیان به شمارش و نگارش برخیزند، فضایل علی بن أبی طالب را شماره نتوانند کرد.

این احادیث و هزاران حدیث دیگر که در منقبت امیر مؤمنان علی (ع) روایت شده و در جوامع روایی فریقین مذکور افتاده است، از مقام والای آن حضرت حکایت دارد که جز به حق و عدالت نمی‌اندیشید و آزادی را تنها در بندگی خدا می‌دید. فسوسا که این شاهکار آفرینش با یک جهان فضیلت، در عین ظهور به سان شب قدر همچنان ناشناخته مانده است.

۶.۷ مباحث مشروح دیگر

در الغدیر جز مناقب، موضوعات دامنه‌دار دیگری مطرح گشته است که بر مجموعه‌ای از مباحث متنوع اشمال دارد و از باب نمونه می‌توان به مبالغه‌گویی‌ها و دروغ‌بافی‌های سخیف و مضحک و کفرآمیزی اشاره کرد که در زمینه‌های گوناگون ساخته و پرداخته شده و ناشی از تعصبات بی‌جا و ادعاهای بی‌اساس بوده است.

آیت الله امینی این مباحث بی‌ربط و ناصواب را با عناوین کلی «سلسله دروغ‌گویان و حدیث‌سازان»، «فهرست احادیث و نسخه‌های ساختگی»، «مبالغه در فضایل و مناقب»،

«غلو فاحش یا قصه‌های خرافی» و «روایات تاریخی جعلی و دروغین» در الغدیر طرح کرده و به مقتضای «من یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله» (بقره: ۲۵۶) در ردّ و نفی روایات ساختگی و خزعبلات خلاف‌نویسان مغرض همّت گمارده است تا زمینه‌ای مساعد جهت درک صحیح حقایق اعتقادی تشیع و به ویژه شناخت دقیق اصل مهم و حیاتی ولایت و هویت رهبری در اسلام فراهم آید و از این طریق بتوان امت اسلام را از خطر آثار و افکار نویسندگان بداندیش و کج‌فهم آگاه ساخت و در تقریب مذاهب اسلامی و ایجاد وحدت میان مسلمانان توفیق حاصل کرد.

اهمیت این قضیه به حدی است که نه تنها بخش‌های عمده‌ای از مجلدات پنجم تا یازدهم الغدیر بدان اختصاص یافته است، بلکه شخصیت سیاسی برجسته، دکتر عبدالرحمن کیالی حلبی ضمن مقاله‌ای در بیان ارزش‌های الغدیر و اولویت مولا علی (ع) به امر خلافت، از سهل‌انگاری تاریخ‌نگاران صدر اسلام در گزارش واقعیات تاریخی انتقاد کرده و بر نویسندگان بی‌مبالات و مغرض در تحریف واقعه غدیر و مفهوم ولایت و ولی خرده گرفته است (← امینی، ۱۴۰۳: ۱۴۰/۴-د-و).

در این راستا نیز از موضوع مهم و حیاتی دیگری چون غدیر سخن رفته و مباحث علمی متنوع و مبسوطی بر محور آن شکل گرفته است که بر حادثه و حدیث غدیر اشمال دارد. این مباحث ولایتی ارزنده به عناوین گوناگون، از قبیل «تاریخ صحیح»، «واقعه غدیر خم»، «اهمیت غدیر در تاریخ»، «عنایت به حدیث غدیر»، «راویان حدیث غدیر»، «مناشده و احتجاج به حدیث غدیر»، «سند و مفاد حدیث غدیر» و «ادبیات غدیر» در کتاب شریف الغدیر مطرح گشته و به شیوه‌ای تحلیلی به رشته تحریر درآمده است که برای آشنایی دقیق با ماجرا و محتوای سرنوشت‌ساز غدیر می‌توان به نخستین جلد الغدیر مراجعه کرد و بر اعتبار تاریخی و ارزش اعتقادی این حماسه مقدّس وقوف کامل یافت.

در مجموع، این امتیازات و خصایص برجسته، حاصل سال‌ها پژوهش بی‌وقفه فقیهی تاریخ‌نگار و سخندانی حدیث‌شناس است که با ذهنی وقاد، اندیشه‌ای ژرف، طبعی نقاد، منطقی حکیمانه و طرحی ابتکاری دست به کار تألیف شد و کتاب الغدیر را پدید آورد و به جامعه بشری عرضه داشت تا مشعلی فروزان فرا راه انسان‌های آزاده حق‌پژوه و فضیلت‌خواه باشد و امت مسلمان نیز از ثمرات مفید و ارزنده آن به نحو مطلوب بهره‌مند گردد.

۸. نتیجه‌گیری

کتاب شریف الغدیر اثری است وزین و میراثی گزین حاوی معانی بکر و بدیع و حقایق نورانی هدایتگر و سعادت‌آفرین که به سبک و روش علمی ممتازی نگارش یافته و در دسترس اهل فضل و نظر قرار گرفته است. در این کتاب موضوعات تاریخی و اعتقادی به نحو شایسته‌ای مطرح گشته و مباحث تحلیلی و انتقادی ارزنده‌ای شکل گرفته است که از ژرف‌اندیشی، جامع‌نگری و هدفداری علامه امینی حکایت دارد. از این‌رو، ارزیابی الغدیر ضرورت یافت و در کمال دقت و با جدیت تمام انجام پذیرفت که می‌توان موارد ذیل را به عنوان نتیجه بحث مطرح کرد:

۱. امامت و خلافت بلافضل امیرمؤمنان علی (ع) حقیقت جوهری غدیر و هسته اصلی فلسفه سیاسی اسلام است و قوام دین و انتظام امور مسلمین وابسته به آن.
۲. الغدیر در واقع دائرةالمعارفی مبتنی بر دو اصل اساسی حادثه و حدیث غدیر است و اهدافی را تعقیب می‌کند که دفاع از حریم مقدس ولایت، تبیین منطق مستدل شیعه و ایجاد اتحاد و همبستگی میان مسلمانان در رأس آن‌ها قرار دارد.
۳. ولایت سستی پایدار و تغییرناپذیر است با صبغه‌ای الهی و پشتوانه‌ای تاریخی در تداوم سیرت نبوی که کمال دین و تمامت نعمت هدایت را در پی داشت و نویدبخش بلوغ انسانیت و تأمین حقوق بشر آمد و این معنی به حقیقت پیوست که هیچ اعتقاد و عملی جز با گردن نهادن به ولایت امام عادل و معصوم پذیرفته نیست.
۴. با ابهام‌زدایی و رفع اتهام از مذهب پویای تشیع و ارائه شناختی صحیح از شیعه می‌توان به پیدایش وحدتی اصولی و فراگیر و برقراری همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی امید بست و فرقه ناجیه را در مقیاس جهانی تثبیت کرد.
۵. ولایت مفهومی فراتر از خلافت دارد و امامت را به معنای خاصی که شیعه تحت عنوان «حجت» قائل است، دربر می‌گیرد و از این‌رو، امام‌شناسی جزو اصول دین و مکمل توحید است و سهل‌انگاری در فهم و شناخت آن خداشناسی را نقض می‌کند.
۶. تفکیک سره از ناسره در تاریخ اسلام، دستیابی به نوعی بازسازی علمی، پرداختن به نقد و تطبیق در قضایای تاریخی، تنقیح احادیث نبوی از حیث متن و سند، بازشناساندن روایات صحیح از ضعیف و موثق از موضوع و احیای حدیث غدیر و پاره‌ای از مناقب علوی بر اساس صحاح و مسانید اهل سنت، جملگی از مختصات بارز و برجسته الغدیر به شمار می‌رود که موجی عظیم در جهان اسلام پدید آورده است.

۷. تلاش بی‌وقفه در پژوهش، صراحت لهجه در بحث، دقت و امانت در نقل، حریت و قاطعیت در نقد، شناخت عناصر زمان و توجه ویژه به فقه تاریخ، مجموعه‌ای از عوامل تأثیرگذار در ارتقای سطح علمی الغدیر بوده و جامعیت فرهنگی و حسن تألیف این میراث ولایی ماندگار را در پی داشته است.

منابع

قرآن کریم.

آقا بزرگ تهرانی (۱۳۷۶ش). *زندگی‌نامه شیخ طوسی*، ترجمه علی‌رضا میرزامحمد و سیدحمید طبیبیان، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
الأمینی النجفی، عبدالحسین أحمد (۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م). *الغدیر فی الکتاب و السنه و الأدب*، چاپ پنجم، بیروت: دارالکتب العربی.

_____ (۱۳۸۶ش). *الغدیر*، ترجمه محمدتقی واحدی و دیگران، ویرایش جدید: زیر نظر علی‌رضا میرزامحمد، تهران: بنیاد بعثت.

حکیمی، محمدرضا (بی‌تا). *حماسه غدیر*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲ش). *کارنامه اسلام*، چاپ سوم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
السیوطی، عبدالرحمن (بی‌تا). *الجامع الصغیر فی أحادیث البشیر النذیر*، چاپ چهارم، بیروت: دارالکتب العلمیة.
الشبلنجی، مؤمن بن حسن مؤمن (بی‌تا). *نور الأبصار فی مناقب آل النبی المختار*، بیروت: دارالفکر.
الشریف الرضی، محمد بن الحسین (۱۳۸۷ق / ۱۹۶۷م). *نهج البلاغه*، ضبط نصّه و ابتکر فهرسه العلمیة صبحی الصالح، بیروت: بی‌نا.
شهیدی، سیدجعفر و محمدرضا حکیمی (۱۳۶۱ش / ۱۴۰۳ق). *یادنامه علامه امینی*، تهران: مؤسسه انجام کتاب.

صدر حاج سیدجوادی، احمد و دیگران (۱۳۶۶ش به بعد). *دائرةالمعارف تشیع*، تهران: بنیاد اسلامی طاهر. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۵۶ش). *به تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علی‌رضا حیدری*، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
طیب، سید عبدالحسین (۱۳۵۲ش). *کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام*، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور.
فیروزآبادی، السید مرتضی الحسینی (۱۴۰۲ق / ۱۹۸۲م). *فضائل الخمسة من الصحاح الستة*، چاپ چهارم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

القندوزی، سلیمان بن ابراهیم (بی‌تا). *ینایع المودّة*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

الکلبینی الرازی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ق). الکافی، صححه و علّق علیه علی اکبر الغفاری، با مقدمه حسین علی محفوظ، چاپ چهارم، بیروت: دار صعب و دارالمعارف.
مطهری، مرتضی (بی تا). سیری در نهج البلاغه، قم: انتشارات صدرا.
_____ (۱۳۶۲ش). مجموعه مقالات، قم: انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه).
المنیر، فهرس کتاب الغدیر (۱۴۰۹ق). قسم الدراسات الاسلامیة، تهران: مؤسسة البعثة.